

رساله اول پولس رسول به

قرنیتان

پولس به اراده خدا رسول خوانده شده عیسی مسیح و سوستانیس برادر، به کلیسای خدا که در قرن تنس است، از مقدسین در مسیح عیسی که برای تقدس خوانده شده هاند، با همه کسانی که در هر جانام خداوند ماعیسی مسیح را میخوانند که (داوند) ما (داوند) ایشان است.

۳ فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد.

شکرگزاری

خدای خود را پیوسته شکر میکنم در باره شما برای آن فیض خدا که در مسیح عیسی به شما عطا شده است، زیرا شما از هر چیز در وی دولت مند شده اید، در هر کلام و در هر معرفت.

۶ چنانکه شهادت مسیح در شما استوار گردید، بحدی که در هیچ بخشش ناقص نیستید و منتظر مکاشفه خداوند ماعیسی مسیح میباشید.

۸ که او نیز شما را تا آخر استوار خواهد فرمود تا در روز خداوند ماعیسی مسیح بیلامت باشید.

۹ امین است خدایی که شمارا به شراکت پسر خود عیسی مسیح خداوند ما خوانده است.

پرهیز از شقاق

لگای برادران از شما استدعا دارم به نام خداوند ماعیسی مسیح که همه یک سخن گویند و شقاق در میان شما نباشد، بلکه در یک فکر و یک رای کامل شوید.

۱۱ زیرا کهای برادران من، از اهل خانه خلوتی در باره شما خبری من رسید که نزاعها در میان شما پیدا شده است.

۱۲ غرض اینکه هر یکی از شما میگوید که من از پولس هستم، و من از اپلوس، و من از کیفا، و من از مسیح.

۱۳ آیا مسیح منقسم شد؟ یا پولس در راه شما مصلوب گردید؟ یا به نام پولس تعمید یافتید؟ خدا را شکر میکنم که هیچیکی از شما را تعمید ندادم جز کر سپس و قایوس،

که مبادا کسی گوید که به نام خود تعمیم دادم.

۱۶ و خاندان استیفان را نیز تعمیم دادم و دیگر یاد ندارم که کسی را تعمیم داده باشم.

۱۷ زیرا که مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمیم دهم بلکه تا بشارت رسانم، نه به حکمت کلام مبادا صلیب مسیح باطل شود.

مسیح قوت و حکمت خدا

زیرا ذکر صلیب برای هالکان حماقت است، لکن نزد ما که ناجیان هستیم قوت خداست.

زیرا مکتوب است: «کمّت حکما را باطل سازم و فهم فهیمان را نابود گردانم.»

کجا است حکیم؟ کجا کاتب؟ کجا مباحث این دنیا؟ مگر خدا حکمت جهان را جهالت نگردانیده است؟

زیرا که چون بر حسب حکمت خدا، جهان از حکمت خود به معرفت خدا نرسید، خدا بدین رضاداد که بوسیله جهالت موعظه، ایمانداران را نجات بخشید.

۲۲ چونکه یهود آیتی میخواستند و یونانیان طالب حکمت هستند.

۲۳ لکن ما به مسیح مصلوب و عظمی میکنیم که یهود را لغزش و امت ها را جهالت است.

۲۴ لکن دعوتشدگان را خواه یهود و خواه یونانی مسیح قوت خدا و حکمت خداست.

۲۵ زیرا که جهالت خدا از انسان حکیمتر است و ناتوانی خدا از مردم، تواناتر.

زیرا ای برادران دعوت خود را ملاحظه نمایید که بسیاری بحسب جسم حکیم نیستند

و بسیاری توانانی و بسیاری شریف نی.

۲۷ بلکه خدا جهال جهان را برگزید تا حکما را رسوا سازد و خدانان توانان عالم را برگزید تا توانایان را رسوا سازد،

و خسیسان دنیا و محقران را خدا برگزید، بلکه نیستیها را تا هستیها را باطل گرداند.

۲۹ تا هیچ بشری در حضور او نفر نکند.

۳۰ لکن از او شما هستید در عیسی مسیح که از جانب خدا برای شما حکمت شده است

و عدالت قدوسیت و فدا.

۳۱ تا چنانکه مکتوب است هر که نفر کند در خداوند نفر نماید.

و منای برادران، چون به نزد شما آمدم، بافضیلت کلام یا حکمت نیامدم چون شمارا بهسر خدا اعلام مینمودم.

۲ زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و اورا مصلوب. ۳ و من در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما شدم، و کلام و وعظ من به سخنان مقنع حکمت نبود، بلکه به برهان روح و قوت، تا ایمان شما در حکمت انسان نباشد بلکه در قوت خدا.

حکمت روح

لکن حکمتی بیان میکنم نزد کاملین، اما حکمتی که از این عالم نیست و نه از روسای این عالم که زایل میگردند.

۷ بلکه حکمت خدا در سری بیان میکنم، یعنی آن حکمت مخفی را که خدا پیش از دهرها برای جلال ما مقدر فرمود، که احدی از روسای این عالم آن را ندانست زیرا اگر میدانستند خداوند جلال را مصلوب نمی کردند.

۹ بلکه چنانکه مکتوب است: «یزهایی را که چشمی ندید و گوش شنید و به خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.» اما خدا آنها را به روح خود بر ما کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتی عمقهای خدا را نیز تفحص میکند.

زیرا کیست از مردمان که امور انسان را بدانند جز روح انسان که در وی میباشد. همچنین نیز امور خدا را هیچکس ندانسته است، جز روح خدا.

۱۲ لیکن ما روح جهان را نیاقتیم، بلکه آن روح که از خداست تا آنچه خدا به ما عطا فرموده است بدانیم.

۱۳ که آنها را نیز بیان میکنم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آنچه روح القدس میآموزد و روحانینهارا بار و روحانینها جمع مینماییم.

۱۴ اما انسان نفسانیا مور روح خدا را نمی پذیرد زیرا که نزد او جهالت است و آنها را نمی

تواند فهمید زیرا حکم آنها از روح میشود.

۱۵ لکن شخص روحانی در همه چیز حکم میکند و کسی را در او حکم نیست.

۱۶ «برای کیست که فکر خدا و ندراد دانسته باشد تا او را تعلیم دهد؟» لکن ما فکر مسیح را داریم.

شقاق وجدایی

و منای برادران تو انستم به شما سخن گویم چون روحانیان، بلکه چون جسمانیان و چون اطفال در مسیح.

۲ و شمارا به شیر خوراک دادم نه به گوشت زیرا که هنوز استطاعت آن نداشتید بلکه الحال نیز ندارید،

زیرا که تا به حال جسمانی هستید، چون در میان شما حسد و نزاع وجداییهاست. آیا جسمانی نیستید و به طریق انسان رفتار نمی نمایید؟

زیرا چون یکی گوید من از پولس و دیگری من از اپلس هستم، آیا انسان نیستید؟

پس کیست پولس و کیست اپلس؟ جز خادمانی که بواسطه ایشان ایمان آوردید و به اندازهای که خداوند به هر کس داد.

۶ من کاشتم و اپلس آبیاری کرد لکن خدا نمومیبخشید.

۷ لهدانه کارنده چیزی است و نه آب دهنده بلکه خدای رویاننده.

۸ و کارنده و سیرآب کنند هیک هستند، لکن هر یک اجرت خود را بحسب مشقت خود خواهند یافت.

۹ زیرا با خدا همکاران هستیم و شما زراعت خدا و عمارت خدا هستید.

بحسب فیض خدا که به من عطا شد، چون معماران انا بنیاد نهادم و دیگری بر آن عمارت میسازد؛ لکن هر کس با خبر باشد که چگونه عمارت میکند.

۱۱ زیرا بنیادی دیگر هیچکس نمی تواند نهاد جز آنکه نهاده شده است، یعنی عیسی مسیح.

۱۲ لکن اگر کسی بر آن بنیاد، عمارتی از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گچ یا گاه بنا کند،

کار هر کس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چونکه آن به

آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل هر کس را خواهد آزمود که چگونه است.

- ۱۴ اگر کاری که کسی بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت.
- ۱۵ واگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هر چند خود نجات یابد اما چنانکه از میان آتش.
- آیانی دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟
- اگر کسی هیکل خدا را خراب کند، خدا او را هلاک سازد زیرا هیکل خدا مقدس است و شما آن هستید.
- ۱۸ زنهار کسی خود را فریب ندهد! اگر کسی از شما خود را در این جهان حکیم پندارد، جاهل بشود تا حکیم گردد.
- ۱۹ زیرا حکمت این جهان نزد خدا جهالت است، چنانکه مکتوب است: «کارابه مکر خودشان گرفتار میسازد.»
- و ایضاً: «داوند افکار حکما را میداند که باطل است.»
- پس هیچکس در انسان نخر نکند، زیرا همه چیز از آن شما است:
- خواه پولس، خواه اپلس، خواه کیفا، خواه دنیا، خواه زندگی، خواه موت، خواه چیزهای حال، خواه چیزهای آینده، همه از آن شما است، و شما از مسیح و مسیح از خدا میباشند.

رسولان، خدام هستند

- هر کس ما را چون خدام مسیح و وکلای اسرار خدا بشمارد.
- ۲ و دیگر در وکلای باز پرس میشود که هر یکی امین باشد.
- ۳ اما بجهت من کمتر چیزی است که از شما یا از یوم بشر حکم کرده شوم، بلکه بر خود نیز حکم نمی کنم.
- ۴ زیرا که در خود عیبی نمی بینم، لکن از این عادل شمرده نمی شوم، بلکه حکم کننده من خداوند است.
- ۵ لهذا پیش از وقت به چیزی حکم مکنید تا خداوند بیاید که خفایای ظلمت را روشن خواهد کرد و نیتهای دلها را به ظهور خواهد آورد؛ آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود. اما ای برادران، این چیزها را بطور مثل به خود واپس نسبت دادم به خاطر شما تا در باره

ما آموخته شوید که از آنچه مکتوب است تجاوز نکنید و تا هیچ‌یک از شما تکبر نکنند برای یکی بردیگری.

۷ زیرا کیست که تو را برتری داد و چه چیز داری که نیافتی؟ پس چون یافتی، چرا خفر میکنی که گویا نیافتی.

الحال سیر شده و دولتند گشته‌اید و بدون ماسلطنت میکنید؛ و کاشکه سلطنت میکردید تا مانیز با شما سلطنت میکردیم.

۹ زیرا گمان میبرم که خدا ما رسولان را آخر همه عرضه داشت مثل آنانی که فتوای موت بر ایشان شده است، زیرا که جهان و فرشتگان و مردم را تماشا گاه شده‌ایم.

۱۰ ما به خاطر مسیح جاهل هستیم، لکن شما در مسیح دانا هستید؛ ما ضعیف لکن شما توانا؛ شما عزیزا ما ما ذلیل.

۱۱ تا به همین ساعت گرسنه و تشنه و عریان و کوبیده و آواره هستیم،

و به دست‌های خود کار کرده، مشقت میکشیم و دشنام شنیده، برکت میطلبیم و مظلوم گردیده، صبر میکنیم.

۱۳ چون اقرار مای زنده، نصیحت میکنیم و مثل قاذورات دنیا و فضلات همه چیز شده‌ایم تا به حال.

و این را نمی نویسم تا شمارا شرمنده سازم بلکه چون فرزندان محبوب خود تنبیه میکنم.

۱۵ زیرا هر چند هزاران استاد در مسیح داشته باشید، لکن پدران بسیار ندارید، زیرا که من شمارا در مسیح عیسی به انجیل تولید نمودم، پس از شما التماس میکنم که به من اقتدا نمایند.

۱۷ برای همین تیموتاوس را نزد شما فرستادم که اوست فرزند محبوب من و امین در خداوند تاراهای مراد در مسیح به یاد شما بیاورد، چنانکه در هر جا و در هر کلیسا تعلیم میدهم.

۱۸ اما بعضی تکبر می کنند به گمان آنکه من نزد شما نمی آیم.

۱۹ لکن به زودی نزد شما خواهم آمد، اگر خداوند بخواد و خواهم دانست نه سخن متکبران را بلکه قوت ایشان را.

- ۲۰ زیرا ملکوت خدا به زبان نیست بلکه در قوت است.
 ۲۱ چه خواهش دارید آیا با چوب نزد شما بیایم یا با محبت و روح حلم؟

تنبیه زنا کار

فی الحقیقه شنیده میشود که در میان شما زنا پیدا شده است، و چنان زنایی که در میان امتهام نیست؛ که شخصی زن پدر خود را داشته باشد.

۲ و شما نخر می کنید بلکه ماتم هم ندارید، چنانکه باید تا آن کسی که این عمل را کرد از میان شما بیرون شود.

۳ زیرا که من هر چند در جسم غایم، اما در روح حاضرم، و الان چون حاضر، حکم کردم در حق کسی که این را چنین کرده است.

۴ به نام خداوند ماعیسی مسیح، هنگامی که شما با روح من با قوت خداوند ماعیسی مسیح جمع شوید،

که چنین شخص به شیطان سپرده شود بجهت هلاکت جسم تار و روح در روز خداوند عیسی نجات یابد.

نفر شما نیکو نیست. آیا آگاه نیستید که اندک خمیر مایه، تمام خمیر را مخمر میسازد؟ پس خود را از خمیر مایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه بیخمیر مایه هستید زیرا که فصیح ما مسیح در راه ماذبح شده است.

۸ پس عید را نگاه دارید نه به خمیر مایه کهنه و نه به خمیر مایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده دلی و راستی.

در آن رساله به شما نوشتم که باز انیان معاشرت نکنید.

۱۰ لکن نه مطلق باز انیان این جهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا پتپرستان، که در این صورت میباید از دنیا بیرون شوید.

۱۱ لکن الان به شما مینویسم که اگر کسی که به برادر نامیده میشود، زانی یا طماع یا پتپرست یا فحاش یا میگسار یا ستمگر باشد، با چنین شخص معاشرت نکنید بلکه غذاهم نخورید.

۱۲ زیرا مرا چه کار است که بر آنانی که خارج اند داوری کنم. آیا شما بر اهل داخل داوری نمی کنید؟

لکن آنانی را که خارجاند خدا دآوری خواهد کرد. پس آن شریر را از میان خود برانید.

مرافعه میان برادران

آیا کسی از شما چون بر دیگری مدعی باشد، جرات دارد که مرافعه برد پیش ظالمان نه نزد مقدسان؟

یائمی دانید که مقدسان، دنیا را دآوری خواهند کرد؛ و اگر دنیا از شما حکم یابد، آیا قابل مقدمات کمتر نیستید؟

آیائمی دانید که فرشتگان را دآوری خواهیم کرد تا چه رسد به امور روزگار؟

پس چون در مقدمات روزگار مرافعه دارید، آیا آنانی را که در کلیسا حقیر شمرده میشوند، مینشانید؟

بجهت انفعال شما میگویم، آیا در میان شما یک نفر دانا نیست که بتواند در میان برادران خود حکم کند؟

بلکه برادر برادر به محاکمه میرود و آن هم نزد بیایمانان!

بلکه الان شمارا بالکلیه قصوری است که بایکدیگر مرافعه دارید. چرا بیشتر مظلوم نمی شوید و چرا بیشتر مغبون نمی شوید؟

بلکه شما ظلم میکنید و مغبون میسازید و این را نیز به برادران خود!

آیائمی دانید که ظالمان وارث ملکوت خدائی شوند؟ فریب نخورید، زیرا فاسقان و بتپرستان وزانیان و منتعمان و لواط

و دزدان و طمعکاران و میگساران و فحاشان و ستمگران وارث ملکوت خدا نخواهند شد.

۱۱ و بعضی از شما چنین میبودید لکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شده‌اید به نام عیسی خداوند و به روح خدای ما.

زنا

همه چیز برای من جایز است لکن هر چیز مفید نیست. همه چیز برای من رواست، لیکن نمی گذارم که چیزی بر من تسلط یابد.

۱۳ خوراک برای شکم است و شکم برای خوراک، لکن خدا این و آن را فانی خواهد ساخت. اما جسم برای زنا نیست، بلکه برای خداوند است و خداوند برای جسم.

۱۴ و خدا خداوند را بر خیزانید و ما را نیز به قوت خود خواهد بر خیزانید.
 ۱۵ آیامی دانید که بدنهای شما اعضای مسیح است؟ پس آیا اعضای مسیح را برداشته،
 اعضای فاحشه گردانم؟ حاشا!

آیامی دانید که هر که با فاحشه پیوندد، با وی یکتن باشد؟ زیرا میگوید «ردویک تن خواهند بود.»
 □□ لکن کسیکه با خداوند پیوندد دیگر روح است.

۱۸ از زنا بگریزید. هر گاهی که آدمی میکند بیرون از بدن است، لکن زانی بر بدن
 خود نگاه میورزد.

۱۹ آیامی دانید که بدن شما هیکل روح القدس است که در شماست که از خدا یافتهاید
 و از آن خود نیستید؟
 زیرا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تجمید نمایید.

مسائل زناشویی

اما در باره آنچه به من نوشته بودید: مرد را نیکوآن است که زن را لمس نکند.
 ۲ لکن بسبب زنا، هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد.
 ۳ و شوهر حق زن را ادانماید و همچنین زن حق شوهر را.
 ۴ زن بریدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد
 بلکه زنش،

از یکدیگر جدا میگردانید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید،
 و باز با هم پیوندد مبادا شیطان شمارا به سبب ناپرهیزی شما در تجربه اندازد،

لکن این را میگویم به طریق اجازه نه به طریق حکم.

۷ اما میخواهم که همه مردم مثل خودم باشند. لکن هر کس نعمتی خاص از خدا
 دارد، یکی چنین و دیگری چنان.

لکن به مجردین و بیوه زنان میگویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند.

۹ لکن اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است.

۱۰ اما من کوحان را حکم میکنم و نه من بلکه خداوند که زن از شوهر خود جدا نشود؛
 و اگر جدا شود، مجرد بماند یا با شوهر خود صلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد.

و دیگران را من میگویم نه خداوند که اگر کسی از برادران زنی بیایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند، او را جدا نسازد.

۱۳ وزنی که شوهر بیایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند، از شوهر خود جدا نشود.

۱۴ زیرا که شوهر بیایمان از زن خود مقدس میشود و زن بیایمان از برادر مقدس میگردد و اگر نه اولاد دشمنان پاک میبوندند، لکن الحال مقدسند.

۱۵ اما اگر بیایمان جدایی نماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است.

۱۶ زیرا که تو چه دانیای زن که شوهرت را نجات خواهی داد؟ یا چه دانیای مرد که زن خود را نجات خواهی داد؟

مگر اینکه به هر طور که خداوند به هر کس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد، بدینطور رفتار بکند؛ و همچنین در همه کلیساها امر میکم.

۱۸ اگر کسی در مختونی خوانده شود، نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود، مختون نشود.

۱۹ ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا.

۲۰ هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در همان بماند.

۲۱ اگر در غلامی خوانده شدی تو را با کی نباشد، بلکه اگر هم میتوانی آزاد شوی، آن را اولی ترا استعمال کن.

۲۲ زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد، آزاد خداوند است؛ و همچنین شخصی آزاد که خوانده شد، غلام مسیح است.

۲۳ به قیمتی خریده شدید، غلام انسان نشوید.

۲۴ ای برادران هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن نزد خدا بماند.

امادرباره باکرها حکمی از خداوند ندارم. لکن چون از خداوند رحمت یافتیم که امین باشیم، رای میدهم.

۲۶ پس گمان میکنم که بجهت تنگی این زمان، انسان را نیکوآن است که همچنان بماند.

۲۷ اگر بازن بسته شدی، جدایی مجوی و اگر از زن جدا هستی دیگر زن مخواه.

۲۸ لکن هرگاه نکاح کردی، نگاه نورزیدی و هرگاه با کره منکوحه گردیدی، نگاه نکردی. ولی چنین در جسم زحمت خواهند کشید، لیکن من بر شما شفقت دارم.

امای برادران، این رامیگویم وقت تنگ است تا بعد از این آنانی که زن دارند مثل بیزن باشند

و گریانان چون ناگریانان و خوشحالان مثل ناخوشحالان و خریداران چون غیر مالکان باشند، و استعمال کنندگان این جهان مثل استعمال کنندگان نباشند، زیرا که صورت این جهان در گذراست.

اما خواهش این دارم که شما بیاندیشه باشید. شخص مجرد در امور خداوند میانندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید؛

و صاحب زن در مورد نیامیانندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد.

۳۴ در میان زن منکوحه و باکره نیز تفاوتی است، زیرا باکره در امور خداوند می اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدس باشد؛ اما منکوحه در مورد نیامیانندیشد تا شوهر خود را خوش سازد.

۳۵ اما این را برای نفع شما می گویم نه آنکه دای بر شما بنهم بلکه نظریه شایستگی و ملازمت خداوند، بیانش.

لکن هرگاه کسی گمان برد که با باکره خود ناشایستگی میکند، اگر به حد بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن، آنچه خواهد بکند؛ گاهی نیست، بگذار که نکاح کنند.

۳۷ اما کسیکه در دل خود پادار است و احتیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار است و در دل خود جازم است که با کره خود را نگاه دارد، نیکو میکند.

۳۸ پس هم کسیکه به نکاح دهد، نیکو میکند و کسیکه به نکاح ندهد، نیکو تر مینماید.

زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هر که بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط.

۴۰ اما محاسب رای من خوشحال تر است، اگر چنین بماند و من نیز گمان میبرم که روح خدا را دارم.

اما در باره قربانی های بتها: میدانیم که همه علم داریم. علم باعث تکبر است، لکن محبت بنا میکند.

۲ اگر کسی گمان برد که چیزی میداند، هنوز هیچ نمی داند، بطوری که باید دانست. ۳ اما اگر کسی خدا را محبت نماید، نزد او معروف مییابد.

پس در باره خوردن قربانی های بتها، میدانیم که بت در جهان چیزی نیست و اینکه خدایی دیگر جز یکی نیست.

۵ زیرا هر چند هستند که به خدایان خوانده میشوند، چه در آسمان و چه در زمین، چنانکه خدایان بسیار و خدانان بسیار می باشند،

لکن ما را یک خداست یعنی پدر که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم، و یک خداوند یعنی عیسی مسیح که همه چیز از اوست و ما از او هستیم.

ولی همه را این معرفت نیست، زیرا بعضی تا به حال به اعتقاد اینکه بت هست، آن را چون قربانی بت میخورند و ضمیر ایشان چون ضعیف است نجس میشود.

۸ اما خوراک، ما را مقبول خدائی سازد زیرا که نه به خوردن بهتریم و نه به نا خوردن بدتر.

۹ لکن احتیاط کنید مباد اختیار شما باعث لغزش ضعیفان گردد.

۱۰ زیرا اگر کسی تو را که صاحب علم هستی ببندد که در بتکده نشستهای، آیا ضمیر آن

کس که ضعیف است به خوردن قربانی های بتها بنامی شود؟

و از علم تو آن برادر ضعیف که مسیح برای او مرده لاک خواهد شد.

۱۲ و همچنین چون به برادران نگاه ورزیدید و ضمیر ضعیفشان را صدمه رسانیدید، همانا به مسیح خطا نمودید.

۱۳ بنابراین، اگر خوراک باعث لغزش برادر من باشد، تا به ابد گوشت نخواهم خورد تا برادر خود را لغزش ندهم.

حقوق رسالت

آیا رسول نیستم؟ آیا آزاد نیستم؟ آیا عیسی مسیح خداوند ما را ندیدم؟ آیا شما عمل من در خداوند نیستید؟

هر گاه دیگران را رسول نباشم، البته شمارا هستم زیرا که مرررسالت من در خداوند شما هستید.

۳ حجت من بجهت آنانی که مرا امتحان میکنند این است

که آیا اختیار خوردن و آشامیدن نداریم؟

آیا اختیار نداریم که خواهر دینی را به زنی گرفته، همراه خود ببریم، مثل سایر رسولان و برادران خداوند و کیفا؟

یا من و برنابا به تنهایی مختار نیستیم که کار نکنیم؟

کیست که هرگز از خرجی خود جنگ کند؟ یا کیست که تا کستانی غرس نموده، از

میوه اش نخورد؟ یا کیست که گل‌های بچراند و از شیر گله نوشد؟

آیا این را بطور انسان میگویم یا شریعت نیز این را نمی گوید؟

زیرا که در تورات موسی مکتوب است که «اورا هنگامی که خرمن را خرد میکند، دهان مبنند.» آیا خدا در فکر گاوان می باشد؟

آیا محض خاطر ما این را نمی گوید؟ بلی برای ما مکتوب است که شخم کننده میباید به امید، شخم نماید و خر دکننده خرمن در امید یافتن قسمت خود باشد.

۱۱ چون مار و حانپار ابرای شما کاشتیم، آیا امر بزرگی است که ما جسمانیهای شما را درو کنیم؟

اگر دیگران در این اختیار بر شما شریکند آیا نه ماه بیشتر؟ لیکن این اختیار را استعمال نکردیم، بلکه هر چیز را متحمل میشویم، مباد انجیل مسیح را تعویق اندازیم.

آیائی دانید که هر که در امور مقدس مشغول باشد، از هیکل میخورد و هر که خدمت مذبح کند، از مذبح نصیبی میدارد.

۱۴ و همچنین خداوند فرمود که «رکه به انجیل اعلام نماید، از انجیل معیشت یابد.»

□□ لیکن من هیچیک از اینها را استعمال نکردم و این را به این قصد نوشتم تا با من چنین

شود، زیرا که مرا مردن بهتر است از آنکه کسی نخرم را باطل گرداند.

۱۶ زیرا هر گاه بشارت دهم، مرا نخر نیست چونکه مرا ضرورت افتاده است، بلکه

وای بر من اگر بشارت ندهم.

۱۷ زیرا هرگاه این راطوع کم اجرت دارم، لکن اگر کره باشد و کالتی به من سپرده شد.

۱۸ در این صورت، مرا چه اجرت است تا آنکه چون بشارت میدهم، انجیل مسیح را بیخروج سازم و اختیار خود را در انجیل استعمال نکنم؟

زیرا با اینکه از همه کسی آزاد بودم، خود را غلام همه گردانیدم تا بسیاری را سود برم. ۲۰ و یهود را چون یهود گشتم تا یهود را سود برم و اهل شریعت را مثل اهل شریعت تا اهل شریعت را سود برم؛

و بیشریعتان را چون بیشریعتان شدم، هر چند نزد خدا بیشریعت نیستم، بلکه شریعت مسیح در من است، تا بیشریعتان را سود برم؛

ضعفارا ضعیف شدم تا ضعفارا سود برم؛ همه کس را همه چیز گردیدم تا به هر نوعی بعضی را برهانم.

۲۳ اما همه کار را بجهت انجیل می‌کنم تا در آن شریک گردم.

آیامی دانید آتانی که در میدان میدوند، همه میدوند لکن یک نفر انعام را میبرد. به اینطور شما بدوید تا به کمال ببرید.

۲۵ و هر که ورزش کند در هر چیز ریاضت میکشد؛ اما ایشان تا تاج فانی را بیابند لکن ماتاج غیر فانی را.

۲۶ پس من چنین میدوم، نه چون کسیکه شک دارد؛ و مشت میزنم نه آنکه هوا را بزنم.

۲۷ بلکه تن خود را از بون میسازم و آن را در بندگی میدارم، مبادا چون دیگران را وعظ نمودم، خود محروم شوم.

هشدار درباره بتها و قربانی بتها

زیرا ای برادران منی خواهم شمایی خبر باشید از اینکه پدران ما همه زیرا بر بودند و همه از دریا عبور نمودند

و همه به موسی تعمیم یافتند، در برابر و در دریا؛

و همه همان خوراک روحانی را خوردند

و همه همان شرب روحانی را نوشیدند، زیرا که میآشامیدند از صخره روحانی که از عقب

ایشان میآمد و آن صخره مسیح بود.

۵ لیکن از اکثر ایشان خدا راضی نبود، زیرا که در بیابان انداخته شدند.

و این امور نمونه‌ها برای ما شد تا ما خواهشمند بدی نباشیم، چنانکه ایشان بودند؛

و نه بتپرست شوید، مثل بعضی از ایشان، چنانکه مکتوب است: «و م به اکل و شرب نشستند و برای لهو و لعب برپا شدند.»

و نه زنا کنیم چنانکه بعضی از ایشان کردند و در یک روز بیست و سه هزار نفر هلاک گشتند.

۹ و نه مسیح را تجربه کنیم، چنانکه بعضی از ایشان کردند و از ما را هلاک گردیدند.

۱۰ و نه همه کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک کننده ایشان را هلاک کرد.

و این همه بطور مثل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که و آخر عالم به ما رسیده است.

۱۲ پس آنکه گمان برد که قایم است، باخبر باشد که نیفتد.

۱۳ هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شمارا فرو نگرفت. اما خدا امین است که

نمی گذارد شما فوق طاقت خود آزمونده شوید، بلکه با تجربه مفری نیز میسازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید.

لذا ای عزیزان من از بتپرستی بگریزید.

۱۵ به خردمندان سخن میگویم: خود حکم کنید بر آنچه میگویم.

۱۶ پیاله برکت که آن را تبرک میخوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را

که پاره میکنیم، آیا شراکت در بدن مسیح فی؟

زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یکتن میباشیم چونکه همه از یک نان قسمت میبایم.

۱۸ اسرائیل جسمانی را ملاحظه کنید! آیا خورندگان قربانیه‌ها شریک قربانگاه نیستند؟

پس چه گویم؟ آیابت چیزی میباشد؟ یا که قربانی بت چیزی است؟

نی! بلکه آنچه امت هاقربانی میکنند، برای دیوها میگذرانند نه برای خدا؛ و نمی خواهیم

شما شریک دیوها باشید.

۲۱ محال است که هم از پیااله خداوند وهم از پیااله دیوها بنوشید؛ وهم از مایده خداوند وهم از مایده دیوهائی توانید قسمت برد.

۲۲ آیا خداوند را به غیرت میآوریم یا از او تواناتر میباشیم؟

همه چیز جایز است، لیکن همه مفید نیست؛ همه رواست، لیکن همه بناغی کند.

۲۴ هر کس نفع خود را بنجوید، بلکه نفع دیگری را.

۲۵ هر آنچه را در قصابخانه میفروشند، بخورید و هیچ مپرسید به خاطر ضمیر.

۲۶ زیرا که جهان و پری آن از آن خداوند است.

۲۷ هر گاه کسی از بی ایمانان از شما وعده خواهد و میخواید برود، آنچه نزد شما گذارند بخورید و هیچ مپرسید بجهت ضمیر.

۲۸ اما اگر کسی به شما گوید «من قربانی بت است» بخورید به خاطر آن کس که خبر داد و بجهت ضمیر، زیرا که جهان و پری آن از آن خداوند است.

۲۹ اما ضمیری گویم نه از خودت بلکه ضمیر آن دیگر؛ زیرا چرا ضمیر دیگری بر آزادی من حکم کند؟

و اگر من به شکر بخورم، چرا بر من اقترازند به سبب آن چیزی که من برای آن شکر میکنم؟ پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید.

۳۲ یهودیان و یونانیان و کلیسای خدا را الغزش مدهید.

۳۳ چنانکه من نیز در هر کاری همه را خوش میسازم و نفع خود را طالب نیستم، بلکه نفع بسیاری را تا نجات یابند.

پس اقتدا به من نمائید چنانکه من نیز به مسیح میکنم.

شایستگی در پرستش

اما ای برادران شمارا تحسین مینمایم از این جهت که در هر چیز مرایا دیدارید و اخبار را بطوری که به شما سپردم، حفظ مینمایید.

اما میخواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا.

۴ هر مردی که سر پوشیده دعای انبوت کند، سر خود را رسوا مینماید.

۵ اما هر زنی که سر برهنه دعای نبوت کند، سر خود را رسوا میسازد، زیرا این چنان است که تراشیده شود.

۶ زیرا اگر زنی نمی پوشد، موی را نیز ببرد، و اگر زنی را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید پوشد.

۷ زیرا که مرد را نباید سر خود پوشد چونکه او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است.

۸ زیرا که مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است.

۹ و نیز مرد بجهت زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد.

۱۰ از این جهت زن میباید عزتی بر سر داشته باشد بهسبب فرشتگان.

۱۱ لیکن زن از مرد جدا نیست و مرد هم جدا از زن نیست در خداوند.

۱۲ زیرا چنانکه زن از مرد است، همچنین مرد نیز بوسیله زن، لیکن همه چیز از خدا.

درد دل خود انصاف دهید: آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند؟

آیا خود طبیعت شمارائی آموزد که اگر مرد موی دراز دارد، او را عار میباید؟

و اگر زنی موی دراز دارد، او را خفراست، زیرا که موی بجهت پرده بدو داده شد؟

و اگر کسی ستیزه گر باشد، ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست.

شام خداوند

لیکن چون این حکم را به شما میگویم، شمارا تحسین نمی کنم، زیرا که شما را از برای بهتری بلکه برای بدتری جمع میشود.

۱۸ زیرا اولاهنگامی که شما در کلیسا جمع میشوید، میشنوم که در میان شما شقاقها روی میدهد و قدری از آن را باور میکنم.

۱۹ از آن جهت که لازم است در میان شما بدعتها نیز باشد تا که مقبولان از شما ظاهر گردند.

۲۰ پس چون شما در یک جا جمع میشوید، ممکن نیست که شام خداوند خورده شود، زیرا در وقت خوردن هر کس شام خود را پیشتر میگیرد و یکی گرسنه و دیگری مست میشود.

۲۲ مگر خانم‌ها برای خوردن و آشامیدن ندارند؟ یا کلیسای خدا را تحقیر مینمایند و آنانی را که ندارند شرم‌منده میسازید؟ به شما چه بگویم؟ آیا در این امر شمارا تحسین نمایم؟ تحسین نمی نمایم!

زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت

و شکر نموده، پاره کرد و گفت: «گیرید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره میشود. این را به یاد گاری من به جا آرید.»

و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت: «این پیاله عهد جدید است در خون من. هر گاه این را بنوشید، به یاد گاری من بکنید.»

زیرا هر گاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر مینمایید تا هنگامی که باز آید.

پس هر که بطور ناشایسته نان را بخورد و پیاله خداوند را بنوشد، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود.

۲۸ اما هر شخص خود را امتحان کند و بدین طرز از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد.

۲۹ زیرا هر که میخورد و مینوشد، فتوای خود را میخورد و مینوشد اگر بدن خداوند را تمییز نمی کند.

۳۰ از این سبب بسیاری از شما ضعیف و مریضانند و بسیاری خوابید هاند.

۳۱ اما اگر خود حکم میگردیم، حکم بر ما نمی شد.

۳۲ لکن هنگامی که بر ما حکم میشود، از خداوند تادیب میشویم مبادا با اهل دنیا بر ما حکم شود.

لذا ای برادران من، چون بجهت خوردن جمع میشوید، منتظر یکدیگر باشید.

۳۴ و اگر کسی گرسنه باشد، در خانه بخورد، مبادا بجهت عقوبت جمع شوید. و چون بیایم، مابقی را منتظم خواهم نمود.

عطایای روحانی

اماد رباره عطایای روحانی، ای برادران نمی خواهم شما بیخبر باشید.

- ۲ می دانید هنگامی که امتها میبودید، به سوی بت‌های گنگ برده میشدید بطوری که شمارا می بردند.
- ۳ پس شمارا خبر میدهم که هر که متکلم به روح خدا باشد، عیسی را اناتیمانی گوید و احدی جزیه روح و حال قدس عیسی را خداوند نمی تواند گفت.
- ۴ و نعمتها انواع است ولی روح همان.
- ۵ و خدمتها انواع است اما خداوند همان.
- ۶ و عملها انواع است لکن همان خدا همه را در همه عمل میکند.
- ۷ ولی هر کس را ظهور روح بجهت منفعت عطا میشود.
- ۸ زیرا یکی را بوساطت روح، کلام حکمت داده میشود و دیگری را کلام علم، بحسب همان روح.
- ۹ و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن به همان روح.
- ۱۰ و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمییز ارواح و دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه زبانها.
- ۱۱ لکن در جمیع اینها همان یک روح فاعل است که هر کس را فرد بحسب اراده خود تقسیم میکند.

یک بدن و اعضای متعدد

- زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگر چه بسیار است یکتن میباشد، همچنین مسیح نیز میباشد.
- ۱۳ زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.
- ۱۴ زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است.
- ۱۵ اگر با گوید چونکه دست نیستم از بدن نمی باشم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟
- و اگر گوش گوید چونکه چشم نیم از بدن نیستم، آیا بدین سبب از بدن نیست؟
- اگر تمام بدن چشم بودی، بجای بود شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا میبود بپیدن؟
- لکن الحال خدا هر یک از اعضا را در بدن نهاد بر حسب اراده خود.

- ۱۹ واگر همه یک عضو بودی بدن کجا میبود؟
اما الان اعضا بسیار است لیکن بدن یک.
- ۲۱ و چشم دست رانمی تواند گفت که محتاج تو نیستم یا سر یا پاها را نیز که احتیاج به شما ندارم.
- ۲۲ بلکه علاوه بر این، آن اعضای بدن که ضعیف تر می نمایند، لازم ترمی باشند.
- ۲۳ و آنها را که پست تر اجزای بدن می پندارم، عزیز تر می داریم و اجزای قبیح ما جمال افضل دارد.
- ۲۴ لکن اعضای جمیله ما را احتیاجی نیست، بلکه خدا بدن را مرتب ساخت بقسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد، تا که جدایی در بدن نیفتد، بلکه اعضا به برابری در فکر یکدیگر باشند.
- ۲۶ واگر یک عضو در مند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند.
- اما شما بدن مسیح هستید و فردا اعضای آن میباشید.
- ۲۸ و خدا قرارداد بعضی را در کلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوات، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها.
- ۲۹ آیا همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا همه قوات؟
یا همه نعمتهای شفا دارند، یا همه به زبانها متکلم هستند، یا همه ترجمه میکنند؟
لکن نعمتهای بهتر را به غیرت بطلبید و طریق افضلتر نیز به شما نشان میدهم.

محبت

- اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخن گویم و محبت نداشته باشم، مثل نحاس صدا دهنده و سنج فغان کننده شده ام.
- ۲ واگر نبوت داشته باشم و جمیع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان کامل داشته باشم بحدی که کوهها را نقل کنم و محبت نداشته باشم، هیچ هستم.
- ۳ واگر جمیع اموال خود را صدقه دهم و بدن خود را بسپارم تا سوخته شود و محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی برم.

۴ محبت حلیم و مهربان است؛ محبت حسد نمی برد؛ محبت کبر و غرور ندارد؛ اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی شود؛ خشم نمی گیرد و سوء ظن ندارد؛ از ناراستی خوشوقت نمی گردد، ولی با راستی شادی میکند؛ در همه چیز صبر میکند و همه را باور مینماید؛ در همه حال امیدوار می باشد و هر چیز را متحمل می باشد.

محبت هرگز ساقط نمی شود و اما اگر نبوتها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید.

۹ زیرا جزئی علمی داریم و جزئی نبوت مینماییم،

لکن هنگامی که کامل آید، جزئی نیست خواهد گردید.

۱۱ زمانی که طفل بودم، چون طفل حرف میزد و چون طفل فکر میکردم و مانند طفل تعقل مینمودم. اما چون مرد شدم، کارهای طفلان را ترک کردم.

۱۲ زیرا که الحال در آینه بطور معما مینماید، لکن آن وقت روبرو؛ الان جزئی معرفتی دارم، لکن آن وقت خواهم شناخت، چنانکه نیز شناخته شدم.

۱۳ و الحال این سه چیز باقی است: یعنی ایمان و امید و محبت. اما بزرگتر از اینها محبت است.

عظایای نبوت و زبانها

در پی محبت بکوشید و عظایای روحانی را به غیرت بطلبید، خصوص اینکه نبوت کنید.

۲ زیرا کسیکه به زبانی سخن میگوید، نه به مردم بلکه به خدا میگوید، زیرا هیچکس نمی فهمد لیکن در روح به اسرار تکلم مینماید.

۳ اما آنکه نبوت میکند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی میگوید.

۴ هر که به زبانی میگوید، خود را بنا میکند، اما آنکه نبوت مینماید، کلیسا را بنا میکند.

۵ و خواهش دارم که همه شما به زبانها تکلم کنید، لکن بیشتر اینکه نبوت نماید زیرا

کسیکه نبوت کند بهتر است از کسیکه به زبانها حرف زند، مگر آنکه ترجمه کند تا کلیسا بنا شود.

اما الحلالی برادران اگر نزد شما آییم و به زبانها سخن رانم، شمارا چه سود میبخشم؟ مگر آنکه شمارا به مکاشفه یا به معرفت یا به نبوت یا به تعلیم گویم.

۷ و همچنین چیزهای بیجان که صدا میدهند چون فی یا بربطا اگر در صداها فرق نکند، چگونه آوازی یا بربط فهمیده میشود؟

زیرا اگر کرنا نیز صدای نامعلوم دهد که خود را میپای جنگ میسازد؟

همچنین شما نیز به زبان، سخن مفهوم نگویند، چگونه معلوم میشود آن چیزی که گفته شد زیرا که به هوا سخن خواهید گفت؟

زیرا که انواع زبانهای دنیا هر قدر زیاد باشد، ولی یکی، یعنی نیست.

۱۱ پس هرگاه قوت زبان را نمی دانم، نزد متکلم بربری میباشم و آنکه سخن گوید نزد من بربری میباشد.

۱۲ همچون شما نیز چونکه غیور عطایای روحانی هستید بطلبید اینکه برای بنای کلیسا افزوده شوید.

بنابراین کسیکه به زبانی سخن میگوید، دعا بکند تا ترجمه نماید.

۱۴ زیرا اگر به زبانی دعا کنم، روح من دعا میکند لکن عقل من بر خوردار نمی شود.

۱۵ پس مقصود چیست؟ به روح دعا خواهیم کرد و به عقل نیز دعا خواهیم نمود؛ به روح سرود خواهیم خواند و به عقل نیز خواهیم خواند.

۱۶ زیرا اگر در روح تبرک میخوانی، چگونه آن کسیکه به منزلت امی است، به شکر تو آمین گوید و حال آنکه نمی فهمد چه میگوید؟

زیرا البته خوب شکر میکنی، لکن آن دیگر بنا نمی شود.

۱۸ خدا را شکر میکنم که زیاد تراز همه شما به زبانها حرف میزنم.

۱۹ لکن در کلیسا بیشتر میپندم که پنج کلمه به عقل خود گویم تا دیگران را نیز تعلیم دهم از آنکه هزاران کلمه به زبان بگویم.

ای برادران، در فهم اطفال مباحثید بلکه در بد خوئی اطفال مباحثید و در فهم رشید.

۲۱ در تورات مکتوب است که «داوند میگوید به زبانهای بیگانه و لهجای غیره این قوم سخن خواهیم گفت و با این همه مرا نخواهند شنید.»

پس زبانه‌نشانی است نه برای ایمان داران بلکه برای بی‌ایمانان؛ امانبوت برای بی‌ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است.

۲۳ پس اگر تمام کلیسا در جایی جمع شوند و همه به زبانه حرف زنند و امیان یا بی‌ایمانان داخل شوند، آیا نمی گویند که دیوانه‌اید؟

ولی اگر همه نبوت کنند و کسی از بی‌ایمانان یا امیان در آید، از همه تو بیخ می‌یابد و از همه ملزم می‌گردد،

و خفایای قلب او ظاهر می‌شود و همچنین به روی در افتاده، خدای اعبادت خواهد کرد و ندا خواهد داد که «ای الحقیقه خدای میان شماست.»

پسای برادران مقصود این است که وقتی که جمع شوید، هر یکی از شما سرودی دارد، تعلیمی دارد، زبانی دارد، مکاشفهای دارد، ترجمهای دارد، باید همه بجهت بنا بشود. ۲۷ اگر کسی به زبانی سخن گوید، دود و یانه‌ایت سه‌سه باشند، به ترتیب و کسی ترجمه کند.

۲۸ اما اگر مترجمی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خود و با خدا سخن گوید.

۲۹ و از انبیا و یاسه سخن بگویند و دیگران تمیز دهند.

۳۰ و اگر چیزی به دیگری از اهل مجلس مکشوف شود، آن اول ساکت شود.

۳۱ زیرا که همه می‌توانید یک نبوت کنید تا همه تعلیم یابند و همه نصیحت پذیرند.

۳۲ و ارواح انبیا مطیع انبیا می‌باشند.

۳۳ زیرا که او خدای تشویش نیست بلکه خدای سلامتی، چنانکه در همه کلیساهای مقدسان.

۳۴ و زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز می‌گوید.

۳۵ اما اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود بپرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است.

۳۶ آیا کلام خدا از شما صادر شد یا به شما به تنهایی رسید؟

اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما می‌نویسم، احکام خداوند است.

- ۳۸ اما اگر کسی جاهل است، جاهل باشد.
 ۳۹ پسای برادران، نبوت را به غیرت بطلبید و از تکلم نمودن به زبانها منع مکنید.
 ۴۰ لکن همه چیز به شایستگی و انتظام باشد.

قیام مسیح

الانای برادران، شمارا از انجیلی که به شما بشارت دادم اعلام مینمایم که آن راهم پذیرفتید و در آن هم قیام مییابید،

و بوسیله آن نیز نجات مییابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید و الاعت ایمان آوردید.

۳ زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتم که مسیح بر حسب کتب در راه گاهان ما مرد،

و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کتب برخاست؛

و اینکه به کیفا ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده،

و پس از آن به زیاده از نایان صد برادر یک بار ظاهر شد که بیشتر از ایشان تا امروز باقی هستند اما بعضی خوابیده هاند.

۷ از آن پس به یعقوب ظاهر شد و بعد به جمیع رسولان.

۸ و آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید.

۹ زیر من کهنترین رسولان هستم و لایق نیستم که به رسول خوانده شوم، چونکه بر کلیسای خدا جفا میرسانیدم.

۱۰ لیکن به فیض خدا آنچه هستم هستم و فیض او که بر من بود باطل نگشت، بلکه بیش

از همه ایشان مشقت کشیدم، اما نه من بلکه فیض خدا که با من بود.

۱۱ پس خواه من و خواه ایشان بدین طریق و عظمی کنیم و به اینطور ایمان آوردید.

قیامت مردگان

لیکن اگر به مسیح و عظمتش که از مردگان برخاست، چون است که بعضی از شما می گویند که قیامت مردگان نیست؟

- اما اگر مردگان راقیامت نیست، مسیح نیز برنخاسته است.
- ۱۴ واگر مسیح برنخاست، باطل است و عظما و باطل است نیز ایمان شما.
- ۱۵ و شهود کذب نیز برای خدا شدیم، زیرا در باره خدا شهادت دادیم که مسیح را بر خیزانید، و حال آنکه او را بر نخیزانید در صورتی که مردگان بر نمی خیزند.
- ۱۶ زیرا هر گاه مردگان بر نمی خیزند، مسیح نیز برنخاسته است.
- ۱۷ اما هر گاه مسیح برنخاسته است، ایمان شما باطل است و شما تا کنون در گناهان خود هستیید، بلکه آنانی هم که در مسیح خوابید هانند هلاک شدند.
- ۱۹ اگر فقط در این جهان در مسیح امید واریم، از جمیع مردم بد بخت تریم.
- لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نو بر خوابیدگان شده است.
- ۲۱ زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد.
- و چنانکه در آدم همه میمیرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت.
- ۲۳ لیکن هر کس به رتبه خود؛ مسیح نو بر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح میباشند.
- ۲۴ و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید.
- ۲۵ زیرا ما دمی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، میباید او سلطنت بنماید.
- ۲۶ دشمن آخر که نابود میشود، موت است.
- ۲۷ زیرا «مهییز را زیر پایهای وی انداخته است.» اما چون میگوید که «مهییز را زیر انداخته است» واضح است که او که همه را زیر او انداخت مستثنی است.
- ۲۸ اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آنگاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کل در کل باشد.
- والا آنانی که برای مردگان تعمید میبند چکنند؟ هر گاه مردگان مطلق بر نمی خیزند، پس چرا برای ایشان تعمید میگیرند؟

و مانیز چرا هر ساعت خود را در خطر میاندازیم؟
به آن تفری در باره شما که مراد خداوند مامسیح عیسی هست قسم، که هر روزه مرا
مردنی است.

۳۲ چون بطور انسان در افسس با وحوش جنگ کردم، مرا چه سود است؟ اگر مردگان
بر نمی خیزند، بخوریم و بیاشامیم چون فردای میریم.
۳۳ فریفته مشوید معاشرات بد، اخلاق حسنه را فاسد میسازد.
۳۴ برای عدالت بیدار شده، گناه مکنید زیرا بعضی معرفت خدا را ندارند. برای
انفعال شما میگویم.

بدن قیام کرده

اما اگر کسی گوید: «ردگان چگونه برمی خیزند و به کدام بدن می آیند؟»
ای احمق آنچه تو میکاری زنده نمی گردد جز آنکه بمیرد.
۳۷ و آنچه میکاری، نه آن جسمی را که خواهد شد میکاری، بلکه دانهای مجرد خواه
از گندم و یا از دانه های دیگر.

۳۸ لیکن خدا بر حسب اراده خود، آن را جسمی میدهد و به هر یکی از تخمها جسم خودش
را.

۳۹ هر گوشت از یک نوع گوشت نیست، بلکه گوشت انسان، دیگر است و گوشت
بهایم، دیگر و گوشت مرغان، دیگر و گوشت ماهیان، دیگر.

۴۰ و جسمهای آسمانی هست و جسمهای زمینی نیز، لیکنشان آسمانها، دیگر و شان
زمینها، دیگر است،
و شان آفتاب دیگر و شان ماه دیگر و شان ستارگان، دیگر، زیرا که ستاره از ستاره در شان،
فرق دارد.

به همین نهج است نیز قیامت مردگان. در فساد کاشته میشود، و در بیفسادی برمی
خیزد؛
در ذلت کاشته میگردد و در جلال برمی خیزد؛ در ضعف کاشته میشود و در قوت برمی
خیزد؛

جسم نفسانی کاشته میشود و جسم روحانی برمی خیزد. اگر جسم نفسانی هست،

هرآینه روحانی نیز هست.

۴۵ و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول یعنی آدم نفس زنده گشت، اما آدم آخر روح حیاتبخش شد.

۴۶ لیکن روحانی مقدم نبود بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی.

۴۷ انسان اول از زمین است خاکی؛ انسان دوم خداوند است از آسمان.

۴۸ چنانکه خاکی است، خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه آسمانی است آسمانیها هم چنان میباشند.

۴۹ و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت.

لیکای برادران این را میگویم که گوشت و خون نمی تواند وارث ملکوت خدا شود و فاسد وارث بیفساد نیز نمی شود.

۵۱ همانابه شماسری میگویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد.

۵۲ در لحظهای، در طرفه العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صد خواهد داد، و مردگان، بیفساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد.

۵۳ زیرا که میباید این فاسد بیفساد را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد.

۵۴ اما چون این فاسد بیفساد را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است به انجام خواهد رسید که «رگ در ظفر بلعیده شده است.

۵۵ ای موت نیش تو کجاست و ای گور ظفر تو کجا؟»

نیش موت گناه است و قوت گناه، شریعت.

۵۷ لیکن شکر خدا راست که ما را بواسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر میدهد.

بنابراینای برادران حبیب من باید اروبی نشویش شده، پیوسته در عمل خداوند بیفزاید، چون میدانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست.

زکات برای مقدسین

امادرباره جمع کردن زکات برای مقدسین، چنانکه به کلیسای غلاطیه فرمودم، شما نیز همچنین کنید.

۲ در روز اول هفته، هر یکی از شما بحسب نعمتی که یافته باشد، نزد خود ذخیره کرده،

بگذار دتا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد.

۳ و چون برسم، آتانی را که اختیار کنید با مکتوبها خواهم فرستاد تا احسان شمارا به اورشليم ببرند.

۴ و اگر مصلحت باشد که من نیز بروم، همراه من خواهند آمد.

در خواستهای شخصی

و چون از مکداونیه عبور کنم، به نزد شما خواهم آمد، زیرا که از مکداونیه عبور میکنم، و احتمال دارد که نزد شما بمانم بلکه زمستان را نیز بسر برم تا هر جایی که بروم، شما مرا مشایعت کنید.

۷ زیرا که الان اراده ندارم در بین راه شمارا ملاقات کنم، چونکه امیدوارم مدتی با شما توقف نمایم، اگر خداوند اجازت دهد.

۸ لیکن من تا نطیکاست در افسس خواهم ماند،

زیرا که دروازه بزرگ و کارساز برای من باز شد و معاندین، بسیارند.

۱۰ لیکن اگر تیموتاوس آید، آگاه باشید که نزد شما بیترس باشد، زیرا که در کار خداوند مشغول است چنانکه من نیز هستم.

۱۱ لهنذاهیچکس اورا حقیر نشمارد، بلکه اورا به سلامتی مشایعت کنید تا نزد من آید زیرا که اورا برادران انتظار میکشتم.

۱۲ اما درباره اپلس برادر، از او بسیار درخواست نمودم که برادران به نزد شما بیاید،

لیکن هرگز رضانداد که الحال بیاید ولی چون فرصت یابد خواهد آمد.

بیدار شوید، در ایمان استوار باشید و مردان باشید و زور آور شوید.

۱۴ جمیع کارهای شما با محبت باشد.

۱۵ وای برادران به شما التماس دارم) ما خانواده استیفان را میشناسید که نو بر ا خائیه

هستند و خویشترن را به خدمت مقدسین سپرده اند)

تا شما نیز چنین اشخاص را اطاعت کنید و هر کس را که در کار و زحمت شریک باشد.

۱۷ و از آمدن استفان و فروتوناتس و ا خائیکوس مر اشادی رخ نمود زیرا که آنچه از جانب

شما تا تمام بود، ایشان تمام کردند.

۱۸ چونکه روح من و شمار اتازه کردند. پس چنین اشخاص را بشناسید.

سلام‌ها

کلیساهای آسیا به شما سلام میرسانند و اکیلا و پرسکلا با کلیسای که در خانه ایشانند، به شما سلام بسیار در خداوند میرسانند.

۲۰ همه برادران شما را سلام میرسانند. یکدیگر را به بوسه مقدسه سلام رسانید.

۲۱ من پولس از دست خود سلام میرسانم.

۲۲ اگر کسی عیسی مسیح خداوند را دوست ندارد، انا تیمباد. ماران اتا.

۲۳ فیض عیسی مسیح خداوند با شما باد.

۲۴ محبت من با همه شما در مسیح عیسی باد، آمین.

XXX

قديم ترجمه

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f